روزنامه شرق

هنر

چرخش تند در مسیر توسعه فضایی ایران با تدبیر اصلاحات — صفحه ۱۰

«هالوگرام» چیست و چگونه تهیه می‌شود؟ — صفحه ۱۱

درباره حاشیه‌های سریال «درحاشیه» — صفحه ۱۲

عکس: Dawn

ساحل لاجوردی میزبان رقابتی دیگر، در غیاب سینمای ایران

کن در اندیشه «جدایی»

کیانا آذر: کن غریبگی می‌کند. پس از حضور نسبتا موفق اصغر فرهادی در کن ۲۰۱۳، این ساحل و فستیوالش روی چندان خوشی به سینمای ایران نشان نداده. سینمای ایران دو سال است که در بخش رقابتی جشنواره کن نماینده‌ای ندارد. سال گذشته البته لیلا حاتمی با حضور در هیأت‌داوران بخش اصلی، قدری رنگ‌وبوی این ساحل را ایرانی کرد؛ بااین‌حال همان حضور هم خالی از حاشیه نبود و بازیگر توانمند سینمای ایران بارها مجبور شد به پرسش‌های عمدتا سیاسی، پاسخ هنری دهد. امسال هم‌زمان با شصت‌وهشتمین دوره جشنواره کن، باز هم ایران نماینده‌ای در بخش اصلی ندارد و از این‌رو فاصله سینمای ایران با نخل طلای کن بیشتروبیشتر می‌شود. همه اینها در حالی اتفاق می‌افتد که جشنواره کن یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین رویدادهای سینمایی جهان است. به باور برخی، مدیریت نادرست فرهنگی به‌ارث‌رسیده از سال‌های گذشته، سبب شده سینمای ایران نماینده‌ای در این رخداد مهم نداشته باشد.

در ادوار مختلف، جشنواره کن همواره به خود بالیده که در کشف استعدادهای نوظهور پیش‌قراول بوده. در کشور خودمان هم دادن نخل طلایی- مهم‌ترین جایزه این جشنواره- به عباس کیارستمی برای فیلم «طعم گیلاس» که به‌طور مشترک این جایزه را دریافت کرد، نقشی تعیین‌کننده داشت و البته آنها مفتخرند که کاشف عباس کیارستمی هستند؛ فیلم‌سازی که چندان در سطوح رسمی فیلم‌هایش هیچ‌وقت در کشور خودش موردتوجه قرار نگرفت. این جشنواره بزرگ هنری البته مثل دیگر پدیده‌های دنیای مدرن از نگرش سرمایه‌داری عقب نمانده. برای اینکه بتواند در عین حفظ وجهه هنری خود، نظر ستاره‌های پول‌ساز جهان را هم به خود جلب کند؛ از دنیای مد و صنعت که الان مهد آن هم پاریس است – به‌عنوان اسپانسر بهره جسته تا بتواند از سایر جشنواره‌های رقیب کم نیاورد و برگ برنده‌ای داشته باشد. سال گذشته از سینمای ایران، لیلا حاتمی یکی از داوران بخش مسابقه این رویداد مهم بین‌المللی بود. تجربه‌ای که قبلا عباس کیارستمی عنوان رئیس هیأت داوران آن را داشت و همین‌طور نیکی کریمی... امسال هم از سینمای ایران فیلم «ناهید» در بخش نوعی نگاه حضور پیدا کرد. حضور سینماگران ایرانی در کن همواره نوسان داشته بااین‌حال کن، نه‌تنها برای سینماگران ایرانی که در ذهن قاطبه سینماگران جهان همچنان داستانی واقعی است و به رؤیا نپیوسته.

شرق: شصت‌وهشتمین دوره جشنواره کن امسال از ۱۳ تا ۲۴ماه می برگزار می شود. نکته جالب اینجاست که برادران کوهن امسال رئیس هیأت‌داوران هستند. دراین‌میان، ۱۷ فیلم در بخش رقابتی این جشنوار شرکت کرده‌اند. فیلم‌های شرکت‌کننده در بخش فیلم بلند شصت‌وهشتمین دوره جشنواره کن به شرح زیر هستند:

۱-داستان داستان‌ها «The Tale of Tales»

فیلم داستان داستان‌ها با هزینه ۱۴میلیون دلاری به کارگردانی ماتئوگارونه و محصول مشترک سه کشور ایتالیا، فرانسه و بریتانیاست. این فیلم با این اقتباس از داستان‌های قرن ۱۷ نویسنده ایتالیایی «جیامباتیستا باسیل» وارد قلمرو فیلم‌های فانتزی ترسناک شده است. سلما هایک، وینسنت کاسل و جان رِیلی از بازیگران این فیلم هستند.

۲-یک مرد ساده «A Simple Man»

فیلمی به کارگردانی استفان بریزه و محصول کشور فرانسه که در ژانر درام تولید شده است. این درام حول یک مرد ۵۱ساله می‌گذرد که به‌عنوان نگهبان یک سوپرمارکت مشغول به کار است و در تنگنای اخلاقی قرار می‌گیرد و مجبور می‌شود با این مشکلات روبه‌رو شود. این فیلم اولین حضور بریزه در بخش مسابقه را رقم می‌زند، اما اولین فیلمش یعنی «شهرهای غمگین» در سال ۱۹۹۹ در بخش دو هفته کارگردانان به نمایش درآمده بود.

۳-پسر طالوت «Son of Saul»

این فیلم محصول کشور مجارستان و به کارگردانی «لِسزلو نِمِس» تولید شده، فیلم پسر طالوت روایتگر سرگذشت یک زندانی به نام آسچویتز در سال ۱۹۴۴ است. زندانی مجبور به سوزاندن جسد مردمش شده و سعی می‌کند جسد یک پسر که به گمانش پسر خودش است را حفظ کند. نِمِس پسر کارگردان مجارستانی «آندراس جِلِس» و شاگرد قدیمی «بلا تار» است.

۴-خواهر کوچکمان «Our Little Sister»

فیلم خواهر کوچکمان به کارگردانی هیروکازو کورئیدا، محصول کشور ژاپن است. کورئیدا بیش از این هم با فیلم‌های «هیچ کس نمی‌داند» و «فاصله» در دوره‌های قبلی جشنواره حضور پیدا کرد. همچنین فیلم «عروسک بادی» وی در بخش کارهای نو در سال ۲۰۰۹ خوش درخشید. فیلم خواهر کوچکمان اقتباسی از یک مجموعه پرطرفدار به نویسندگی آکیما پوشید است. این فیلم زندگی چهار خواهر (با بازی هاروکا آیاسه، ماسامی ناگاساوا، کاهُو هیروسه و سوزو هیورسه) که در شهر یوميماچی زندگی می‌کنند را به تصویر می‌کشد.

۵-مادرم «My mother»

نانی مورتی، برنده نخل طلای سال ۲۰۱۱ به‌خاطر فیلم «اتاق پسر» این‌بار به سراغ یک کمدی- تراژیک رفته است. این کارگردان در جشنواره کن امسال فیلم «مادرم» را در بخش فیلم‌های بلند خواهد داشت. مارگریتا بای و جان تورتور از ستاره‌های این فیلم هستند. باید اشاره کرد نانی مورتی پیش از این با پنج فیلم دیگر نیز در بخش مسابقه شرکت داشته است: آنچنان که فیلم «اینک انسان» در سال ۱۹۷۸، «خاطره گرانمایه» در سال ۱۹۹۴ جایزه بهترین کارگردان را برای این فیلم‌ساز به ارمغان آورد. فیلم‌هایی همچون «آپریل» در سال ۱۹۹۸، «کایمن» در سال ۲۰۰۶ و «ما یک پاپ داریم» در سال ۲۰۱۱ از دیگر فیلم‌های این کارگردان بودند. همچنین فیلم جدید وی یعنی «مادرم» محصول مشترک ایتالیا و فرانسه است.

۶-جوانی «Youth»

پائولو سورنتینو در شصت‌وهشتمین دوره جشنواره کن با فیلم «جوانی» حضور یافته است؛ فیلمی که محصول مشترک ایتالیا، فرانسه، سوئیس و بریتانیا محسوب می‌شود. سورنتینو تاکنون شش‌بار در بخش مسابقه جشنواره کن حضور داشته است. در این درام انگلیسی‌زبان سورنتینو، مایکل کِین در نقش یک رهبر ارکستر بازنشسته بازی می‌کند که برای اجرا در مقابل ملکه الیزابت دوم و شاهزاده فیلیپ دعوت شده است.

۷-سیکاریو «Sicario»

سیکاریو از جدیدترین کارهای دنیس ویلنو محصول ایالات‌متحده آمریکاست. این کارگردان کانادایی در سال ۲۰۰۹ هم با فیلم پلی‌تکنیک در جشنواره کن حضور پیدا کرد. در این درام جنایی که داستانش حول موضوع قاچاق مواد در مکزیک می‌چرخد، امیلی بلانت، بینسیو دل تورو، جاش برولین و جان برنتال نقش‌آفرینی می‌کنند.

۸-دریای درختان «The Sea of Trees»

گاس ون‌سنت، کارگردان آمریکایی، در فیلم دریای درختان از حضور متیو مک‌کانهی و کِن واتانابه بهره برده است. این دو در این فیلم در نقش دو مردی ظاهر می‌شوند که برای خاتمه‌دادن به زندگی‌شان به «جنگل خودکشی» ژاپن رفته‌اند و تصادفی با یکدیگر آشنا می‌شوند. نائومی واتس دیگر ستاره این فیلم است. درباره ون‌سنت باید اشاره کرد وی با فیلم‌های «آخرین روزها» در سال ۲۰۰۵ و «پارانویید پارک» در سال ۲۰۰۷ در بخش مسابقه شرکت داشته است؛ فیلمی که جایزه ویژه شصتمین سالگرد جشنواره را برای او به ارمغان آورده بود. همچنین در سال ۲۰۱۱ فیلم «بی‌قرار» او در بخش کارهای نو به نمایش درآمد.

۹-مارگریت و ژولین «Marguerite and Julien»

والری دونزلی در فیلم مارگریت و ژولین از بازیگرانی همچون آنایس دموستیه و ژرمی الکایم استفاده کرده است. این فیلم از فیلمنامه‌ای اثر ژان گراولت برگرفته شده، این فیلمنامه قرار بود در دهه ۷۰ توسط فرانسوا تروفو ساخته شود.

ورود این فیلم به بخش مسابقه پس از موفقیت «اعلام جنگ» در سال ۲۰۱۱ در بخش هفته منتقدان، یک قدم بزرگ برای دونزلی محسوب می‌شود؛ فیلمی که محصول سینمای فرانسه است.

۱۰-شاه من «Mon roi»

مایون، فیلم «شاه من» را به نمایندگی از سینمای فرانسه به کن ۲۰۱۵ می‌برد. امانوئل برکوت از مهم‌ترین بازیگران این فیلم به‌شمار می‌رود. برکوت علاوه‌بر افتتاح جشنواره، با فیلم «سر بالا» در این فیلم در نقش یک زن پس از یک رابطه عاشقانه عمیق و ویرانگر ظاهر شده است. مایون پیش از این با فیلم «پولیس» در سال ۲۰۱۱ در جشنواره کن شرکت و با این فیلم جایزه هیأت داوران را ازآن خود کرده بود.

۱۱-کوه‌ها از جا کنده خواهند شد «Mountains May Depart»

جیاژانکه اولین فیلمی که در خارج از چین فیلمبرداری کرده را به جشنواره کن فرستاده است. این فیلم چندنسل را در سال‌های ۱۹۹۰، ۲۰۰۵ و حال حاضر به تصویر می‌کشد. «لذت مبهم» در سال ۲۰۰۲، «۲۴ شهر» در سال ۲۰۰۸ و «ذره‌ای گناه» در سال ۲۰۱۳ که جایزه بهترین فیلمنامه را ازآن خود کرد، از دیگر فیلم‌های جیاژانکه هستند. مستند «ای‌کاش می‌دانستم» نیز در سال ۲۰۱۰ در بخش کارهای نو و نگاهی نو از این کارگردان به نمایش درآمد.

۱۲-خرچنگ «The Lobster»

از قرار معلوم تحسین‌شدن فیلم قبلی یورگوس لانتیموس سبب شده تا وی فیلم جدیدش یعنی خرچنگ را که محصول مشترک ایرلند، هلند، فرانسه و یونان و بریتانیاست را به بخش جشنواره کن ۲۰۱۵ بفرستد. لانتیموس در این فیلم یک پادآرمان شهری را در آینده تصویر می‌کند که در آن انسان‌های مجرد دستگیر می‌شوند و مجبورند در ظرف ۴۵ روز از تجرد بیرون بیایند. کُلین فارل، راشل ویز، بن ویشا، اولیویا کُلمن، لئا سیدو و جان رِیلی از جمله ستاره‌های این فیلم هستند.

۱۳-مَکبث «Macbeth»

فیلم مکبث که به کارگردانی جاستین کورزل در جشنواره کن امسال شرکت خواهد کرد، محصول مشترک بریتانیا، فرانسه و ایالات‌متحده آمریکاست. فیلم مکبث زوج تشنه قدرت شکسپیر را روایت می‌کند. مایکل فاسبندر و ماریون کوتیار از مهم‌ترین بازیگران این فیلم هستند. باید اشاره هم کرد که ورود این فیلم به بخش مسابقه یک گام بلند برای کورزل تلقی می‌شود. دلیل این مسئله هم این است که فاسبندر، کوتیار و کورزل امسال فیلم بسیار موردانتظار «کیش یک آدمکش» را نیز در دست ارائه دارند.

۱۴-بلندتر از صدای بمب «Louder Than Bombs»

«خواکیم تریه» با فیلم بلندتر از صدای بمب محصول مشترک نروژ، فرانسه و بلژیک وارد صحنه کن ۲۰۱۵ شده است. این فیلم پرستاره در مورد اطلاعاتی است که سه سال پس از مرگ یک عکاس جنگ (با بازی ایزابل هوپرت) بر اثر تصادف رانندگی، افشا می‌شود. گابریل بایرن و جسی آیزنبرگ در نقش همسر و پسر این زن بازی می‌کنند. این کارگردان پیش از این هم در بخش نگاه نو جشنواره کن با فیلم «اسلو.۳۱» ظاهر شد که بسیار موردتحسین قرار گرفت.

۱۵-کارول «Carol»

«تادهاینس» برای فیلم کارول از «کیت بلانشت» استفاده کرده است. همچنین «رونی مارا» هم در این فیلم که محصول مشترک ایالات‌متحده و بریتانیاست، بازی می‌کند. این فیلم اقتباسی، رابطه یک کارمند جوان و تنهای بنگاه املاک با یک زن مسن‌تر در دهه ۱۹۵۰ در نیویورک را به تصویر می‌کشد. این درام هاینس اولین حضور او را در جشنواره کن پس از ۱۹۹۸ که با «معدن طلای مخملی» از هیأت داوران جایزه دستاورد هنری دریافت کرده بود، رقم می‌زند.

۱۶-قاتل «Assassin»

«هو شیانو شین» با فیلمی رزمی به بخش مسابقه فیلم‌های بلند جشنواره فیلم کن قدم گذاشته است. «قاتل» که پس از چندین‌سال تأخیر بالاخره به اتمام رسیده، هفتمین فیلم شرکت‌کننده این کارگردان در بخش مسابقه کن است. این فیلم رزمی که در دوران دودمان تانگ می‌گذرد، با هنرمندی شو کی و چانگ‌چن اولین فیلم این کارگردان بزرگ تایوانی پس از «پرواز بادکنک قرمز» است. پرواز بادکنک قرمز کارهای نو و نگاهی نو را در سال ۲۰۰۷ افتتاح کرد.

۱۷-اِران «Erran»

ژاک اودیار فرانسوی در شصت‌وهشتمین دوره جشنواره کن، فیلم «اران» را خواهد داشت. این کارگردان در این فیلم زندگی یک مهاجر تامیلی سریلانکایی (با بازی وینسنت روتیرز) که به‌عنوان مستخدم یک مجتمع مسکونی فعالیت می‌کند را به‌تصویر می‌کشد؛ فیلمی که آکنده از دردها و رنج‌های یک مهاجر است.

بخش نوعی نگاه

همچنین در بخش نوعی نگاه شصت‌وهشتمین جشنواره کن هم ۱۴ فیلم شرکت می‌کنند. «مدونا» به‌کارگردانی شین سون، «مریلند» ساخته آلیس وینکور، «جهت چهارم» اثر گروویندرسینگ، «گنج» ساخته کورنلیو پورامبویو، «ناهید» اثر آیدا پناهنده، «انتخاب‌شده‌ها» به‌کارگردانی دیوید پابلوس، «بی‌حیا» از اوه سیئونگ اوک، «یک‌طبقه پایین» ساخته رادو مانتین، «روی دیگر» ساخته روبرتو مینروینی، «The High Sun» اثر دالیبور ماتانیچ، «من یک سرباز هستم» به‌کارگردانی لارن لاریویه ، «سفر به ساحل» از کیوشی کوروساوا، «Rams» اثر گریمور هاکونارسونو و «پرواز در تنهایی» ساخته نیراج قیوان، ۱۴ فیلم شرکت‌کننده در این بخش هستند.

جامپ کات

اکسودوس ریدلی اسکات انتظارها را برآورده نکرد

مورد عجیب کارگردان «گلادیاتور»

پیمان بخشی: ریدلی اسکات در آخرین ساخته خود «اکسودوس؛ خدایان و پادشاهان» بازهم تلاش کرده تا فیلمی تاریخی به مخاطب خود ارائه دهد. وی که با ساخت «پرومته» نشان داد علاوه‌بر فیلم‌های تاریخی و تریلرها، به ژانرهای دیگری هم علاقه‌مند است، این‌بار به سراغ داستانی مذهبی رفته؛ داستانی که بخش قابل‌توجهی از جمعیت جهان کم‌وبیش و متناسب با روایت‌های خود، از آن اطلاع دارند. فیلم «اکسودوس؛ خدایان و پادشاهان» به‌نوعی بازخوانی قصه تقابل حضرت موسی و فرعون برای نجات قوم بنی‌اسرائیل است. فیلم به‌جز چندصحنه عظیم آن هم به کمک جلوه‌های ویژه، به‌شدت ضعیف از کار درآمده، طوری که صدای منتقدان را درآورده است. منتقدی همچون استفن فاربر در هالیوودریپورتر، اکسودوس را کاری ضعیف از کارگردان فیلمی همچون گلادیاتور می‌داند و تاکید کرده تکنولوژی سه‌بُعدی به‌طور جدی به بیشترشدن ضعف‌های این فیلم کمک کرده است. فیلم جدید کارگردان «مجموعه دروغ‌ها»، در بخش‌هایی از فیلمنامه خود به‌دلیل وفادارنبودن به اصل داستان، برای مخاطب بیشتر شبیه به یک روایت غیرمستند می‌شود. مخاطب احساس می‌کند ریدلی اسکات در این فیلم سعی دارد تا هرجا که دلش می‌خواهد به شکل نامناسبی قصه را تغییر دهد. «اسکات مندلسون» در فوربس، فیلم خدایان وپادشاهان، ریدلی اسکات را تاریک توصیف می‌کند و امتیاز پایینی به وی می‌دهد. مندلسون تاکید می‌کند این فیلم نمی‌تواند نظر مخاطب خود را جلب کند. در کنار همه این مسائل ساختار فیلم ضعیف و سطحی از کار درآمده؛ آن‌قدر که مخاطب، این فیلم را تنها برای سرگرمی صرف می‌بیند و نه چیزی بیشتر؛ به‌ویژه اینکه مخاطب حتی نمی‌تواند در این فیلم شمه‌ای از دیالوگ‌های فاخری که در آثار قبلی ریدلی اسکات دیده شده را مشاهده کند. حالا به‌نظر می‌رسد سیل انتقادات سبب شود ریدلی اسکات از این پس باید با احتیاط بیشتری فیلم تاریخی بسازد.

اشتباه فاحش جولیان مور

«هفتمین پسر»، به کارگردانی «سرگئی بدروف» آن‌قدر ضعیف از کار درآمده که تنها آن را می‌توان یک شکست تمام‌عیار برای برنده اسکار یعنی جولیان مور دانست. این فیلم نسبتا پرهزینه، حتی از ارائه یک داستان تخیلی سرگرم‌کننده به مخاطب خود ناتوان است، حتی به‌کارگیری انواع‌واقسام حیوانات عجیب‌وغریب هم نتوانسته این فیلم را در نزد مخاطبان بالا بکشد و به همین دلیل در گیشه هم شکست خورد. در کنار همه اینها، مهم‌ترین بخش این ماجرا انتخاب فوق‌العاده بد جولیان مور برای بازی در این فیلم است. این بازیگر نام‌آشنا که در اسکار ۲۰۱۵ به خاطر بازی در فیلم «هنوز الیس» جایزه بهترین بازیگر زن را ازآن خود کرد، حالا با بازی در این فیلم زیرصفر، به‌نوعی زیرتیغ منتقدها رفته است.

باکس آفیس

«سریع و خشن» می‌تازد

Furious7-۱

قسمت هفتم «سریع و خشن» پس از دو هفته نمایش در چهار هزار سالن، فروش کلی خود را به ۲۵۲/۵۲ میلیون دلار رساند. این فیلم در یک هفته اخیر ۵۲ میلیون دلار فروخت؛ فروش خیره‌کننده‌ای که تحسین علاقه‌مندان به اقتصاد سینما را برانگیخت.

home-۲

انیمیشن «خانه» پس از سه هفته نمایش به کارگردانی تیم جانسون در کل ۱۲۹/۵۵ میلیون دلار فروخت. این فیلم در آخر هفته خود با در اختیارداشتن سه‌هزارو ۷۰۰ سالن سینما، ۱۹ میلیون دلار فروش کرد.

The Longest Ride-۳

فیلم «طولانی‌ترین سواری» با کارگردانی جرج تلمن، با داشتن ۳/۳۳۶ سالن سینما فروش آخر هفته خوبی داشت و ۱۳ میلیون دلار فروخت.

این فیلم با این فروش در جایگاه سوم باکس آفیس ایستاد. از شروع اکران این فیلم تنها یک هفته می‌گذرد.

get hard-۴

«دریافت سخت» هم همچنان در جایگاه چهارم باکس آفیس ایستاده است.

این فیلم کمدی در هفته اخیر هشت میلیون دلار فروخت و فروش کلی خود را به ۷۱ میلیون دلار رساند.

این فیلم سه‌هزارو ۱۳۲سالن سینما را در اختیار دارد

Cinderella-۵

فیلم «سیندرلا» هم در هفته اخیر ۷/۱۴ میلیون دلار فروخت و پس از پنج هفته اکران، فروش کلی این فیلم به ۱۸۱ میلیون دلار رسید.

Insurgent-۶

فیلم «شورشی» پس از چهار هفته اکران در هفته اخیر ۶/۷۱ میلیون دلار فروش کرد و درمجموع، فروش این فیلم فانتزی به ۱۱۵ میلیون دلار رسید. این فیلم از سری فیلم‌های divergent است.

Woman in gold-۷

«زن طلایی» هم نسبت به هفته‌های گذشته از جای خود تکان نخورد و به این‌ترتیب در هفته اخیر ۵/۴۸ میلیون دلار فروش کرد و پس از دو هفته اکران، به‌طورکلی ۸/۹۳ میلیون دلار فروخت.

Followsit-۸

فیلم ترسناک «به‌دنبالت می‌آید» به کارگردانی دیوید رابرت میچل نسبت به هفته گذشته دو پله پایین‌تر آمد و در جایگاه هشتم باکس آفیس ایستاد؛ فیلمی‌که پس از پنج هفته اکران، ۱۱ میلیون دلار فروخته است. این فیلم در هفته اخیر اکران خود، ۱/۹۴ میلیون دلار فروش داشت.

Danny Collins-۹

این فیلم به نویسندگی و کارگردانی دن فوگلمن در جایگاه نهم باکس آفیس در هفته اخیر ایستاده است؛ فیلمی با بازی آل‌پاچینو که پس از چهار هفته اکران، فروش کلی آن به ۲/۳۸ میلیون دلار رسیده است.

While We're Young-۱۰

فیلم «تا وقتی که جوان هستیم» پس از سه هفته اکران، در آخرین هفته خود ۱/۳۸ میلیون دلار فروخت تا فروش کلی این فیلم به ۲/۳۵ میلیون دلار برسد.

جاده آرلینگتون

فاتح «ساندنس» همه را مجذوب می‌کند

تازیانه بر ذهن مخاطب

رضا فرخی

موسیقی سال‌هاست به یکی از سوژه‌های سینمای جهان مبدل شده، هرچند تا چندین‌دهه پیش این دو هنر از هم جدا بودند. در این بین، به‌تدریج از سال‌های ۱۹۳۸ به بعد ساخت فیلم‌هایی همچون The Life of Giuseppe Verdi به کارگردانی کارمین گالونه و the great waltz با کارگردانی ژولین دیوویه سبب شد قصه موسیقی و موسیقی‌دان‌ها روی پرده نقره‌ای نقش ببندد. از آن سال‌ها تا به امروز سینمای جهان هرسال چندین‌فیلم درباره سبک‌های مختلف موسیقی و البته زندگی موسیقی‌دان‌ها به خود دیده؛ فیلم‌هایی که در گذر زمان توانستند علاوه‌بر مخاطب خاص و روشنفکر، مخاطب عام را هم جذب کنند. در همین چندسال فیلم The Devil's Violinist به کارگردانی برنارد روز ساخته شد که زندگی نیکولو پاگانینی، موسیقی‌دان مشهور ایتالیایی را روایت می‌کند، هرچند فیلم، مورد انتقادهای جدی هم قرار گرفت، اما به هرصورت یکی از آن‌دست فیلم‌هایی بود که دوباره موسیقی دان‌ها را روی پرده سینما آورد. حالا به‌نظر می‌رسد «دیمین شزل»، توانسته نظر مخاطبان را دوباره به موسیقی جلب کند. به شکلی که فیلم «whiplash» «ویپلش»، تازه‌ترین اثر این کارگردان که خود هم نویسنده آن است، توانست شوق مخاطبان سینما را درباره موسیقی برانگیزاند؛ فیلمی مستقل، براساس تجربیات عینی. شزل، این فیلم را بنابر گفته خود، براساس تجربیاتی نوشته که در گروه موسیقی دبیرستان پرینستون به‌دست آورده. این فیلم که جایزه بزرگ هیأت‌داوران جشنواره ساندنس (بزرگ‌ترین جشنواره فیلم‌های مستقل) را ازآن خود کرده، روایتگر رابطه یک استاد موسیقی و دانش‌آموز اوست. دانش‌آموزی که تنها ۱۹ سال دارد و به‌شدت به درامرشدن و نواختن جَز علاقه دارد. دراین فیلم «مایلز تلر» در نقش کاراکتر اصلی فیلم یعنی اندرو ظاهر شده و ایفای نقش کاراکتر مقابل او را

جی‌کی سیمونز برعهده گرفته است. اندرو با ورود به هنرستان فیشر تلاش می‌کند پله‌های موفقیت را طی کند تا در آینده جایی برای خود در بین در امرهای مشهور داشته باشد. در مقابل، استاد سخت‌گیرش ترنس فلچر، با سخت‌گیری‌هایش به‌شدت او را آزار می‌دهد؛ کاراکتری که بعدها معلوم می‌شود برخی از شاگردانش چندسال پس از فارغ‌التحصیل‌شدن از این هنرستان، به‌دلیل استرس‌هایی که به آنها وارد می‌کرده، خودکشی کرده‌اند. فیلم ریتم عالی و داستانی ساده دارد. در ۱۵دقیقه ابتدای فیلم، مخاطب‌شاهد فیلمی متوسط است که البته از ریتم نمی‌افتد. صحنه‌های حضور شبانگاهی اندرو در اتاق تمرین و نواختن پیاپی جَز به‌خوبی از کار درآمده و البته پیامش را هم کاملا به مخاطب منتقل می‌کند. اندرو در ابتدا برای اینکه توسط استاد سخت‌گیر دبیرستان یعنی فلچر انتخاب شود، به‌شدت تمرین می‌کند. اما پس از انتخاب توسط این استاد ، به‌دلیل دشواری وحشتناک کار با او، مجبور می‌شود تا مرز دچارشدن به صدمات جسمانی به تمرین‌هایش ادامه دهد. فلچر (با بازی جی‌کی سیمونز) برای فشارآوردن به اندرو (مایلز تلر) چندین‌مرتبه جایگاه او به‌عنوان درامر اصلی گروه را از او می‌گیرد و دوباره به او بازمی‌گرداند. این مسئله سبب می‌شود تا اندرو حین اجرا تعادل روانی خود را از دست دهد و درنهایت در یکی از اجراها به فلچر حمله کند و از هنرستان اخراج شود. فیلم، تا اینجا به شکلی قابل‌توجه مخاطب خود را همراه می‌کند و تصویری فوق‌العاده از یک گروه و با تمام نوازندگانش به مخاطب نشان می‌دهد. اما در ادامه، قصه اصلی اوج می‌گیرد؛ جایی که هم‌زمان با اندرو، فلچر هم به‌دلیل سخت‌گیری‌های وحشتناک اخراج می‌شود. فلچر پس از این اتفاق، مسبب این امر را اندرو می‌داند و به همین دلیل برای انتقام‌گیری از وی او را وارد یک بازی می‌کند. به این‌ترتیب فلچر از اندرو برای نواختن درام یک گروه خارج از مدرسه دعوت کرده، اما در روز اجرا فلچر به همه گروه نت قطعه‌ای متفاوت با قطعه‌ای که اندرو در مقابل خود دارد، می‌دهد. اینجاست که موسیقی، میدان امید و یأس می‌شود.

باید اشاره کرد «دیمین شنزل»، کارگردان جوان از یک تجربه شخصی، سناریویی پرکشش را استخراج کرده است چراکه فیلم به مخاطب علاقه‌مند به درام، تلاش بی‌وقفه نوجوانی را نشان می‌دهد که می‌خواهد به «چارلی پارکر» (نوازنده درام معروف) دیگر مبدل شود؛ همچنان که در فیلم چندین‌مرتبه به سخت‌گیری‌های «جوجونز»، استاد پارکر اشاره می‌شود و کاراکترهای مختلف تأکید می‌کنند این سخت‌گیری‌ها سبب شد چارلی پارکر به درامری مشهور مبدل شود. جونز، در یکی از تمرین‌ها، به طرف پارکر سنج پرت کرده است؛ اتفاقی که در مورد اندرو هم رخ می‌دهد و فلچر سنج را به سمت او پرت می‌کند. صحنه‌های سخت‌گیری فلچر و درمقابل سخت‌کوشی و ایستادگی اندرو بر هدفش، فوق‌العاده برای مخاطب علاقه‌مند به ژانر درام، جذاب از کار درآمده؛ به‌ویژه سکانس‌هایی که نواختن‌ها با خون‌آمدن از دست‌های اندرو همراه می‌شود.

ادامه در صفحه ۱۴